

حق بر مالکیت سرمایه داران در ممالک در حال جنگ از دید حقوق بشر براساس اصل برائت

مهدی محمودی

پژوهشگر دوره دکتری تخصصی حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

سال پنجم، شماره هجدهم،
صفحات ۱-۱۵

چکیده

موضوع حق مالکیت سرمایه داران در کشورهای در حال جنگ از دیدگاه حقوق بشر بر اساس اصل برائت، به بررسی تعادل میان نیازهای امنیتی و حقوق فردی می پردازد. در شرایط جنگی، دولت ها اغلب برای تأمین امنیت ملی مجبور به محدود کردن حقوق مالکیت خصوصی هستند. این محدودیت ها باید طبق قوانین بین المللی، موقت، و متناسب با شرایط باشند و جبران خسارت مناسب نیز پیش بینی شود. اصل برائت، که مبنای حقوق بشر است، ایجاب می کند که هیچ فردی تا اثبات جرمش، گناهکار شناخته نشود. این اصل در مورد حقوق مالکیت نیز کاربرد دارد، بدین معنا که اموال و دارایی های افراد نمی تواند بدون دلیل موجه ضبط یا مصادره شود. حقوق بین الملل بشردوستانه نیز تلاش می کند تا با وضع قوانین حفاظتی، تعادلی بین نیازهای نظامی و حقوق بشری برقرار نماید و از تعدی بی رویه به حقوق مالکیت جلوگیری کند. در نهایت، مراجع قضایی ملی و بین المللی، مانند دیوان بین المللی دادگستری و دیوان بین المللی کیفری، نقش مهمی در تضمین اجرای قوانین و جبران خسارت های ناشی از نقض حقوق مالکیت در شرایط جنگ ایفا می کنند. این مقاله به بررسی چگونگی اجرای این حقوق و چالش های مرتبط با آن در کشورهای در حال جنگ می پردازد.

مالکیت؛ سرمایه داران؛ جنگ؛ حقوق بشر؛ اصل برائت

واژگان کلیدی:

طبقه بندی JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469

Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 18

Pages 1-15

The right to property of capitalists in warring countries from the point of view of human rights based on the principle of innocence

Mehdi Mahmuodi

Researcher, PhD Program in Public International Law, Payam Noor University, Tehra

Abstract

The issue of property rights of capitalists in warring countries from the point of view of human rights based on the principle of innocence, examines the balance between security needs and individual rights. In times of war, governments are often forced to restrict private property rights to ensure national security. According to international law, these restrictions should be temporary and appropriate to the circumstances, and adequate compensation should be provided. The principle of innocence, which is the basis of human rights, requires that no person be found guilty until proven guilty. This principle also applies to property rights, which means that people's property and assets cannot be seized or confiscated without a valid reason. International humanitarian law also tries to establish a balance between military needs and human rights by establishing protective laws and prevent arbitrary infringement of property rights. Finally, national and international judicial authorities, such as the International Court of Justice and the International Criminal Court, play a role. They play an important role in ensuring the implementation of laws and compensation for damages caused by the violation of property rights in war conditions. This article examines how these rights are implemented and the challenges associated with them in countries at war.

Keywords: ownership; capitalists; war; human rights;; The principle of innocence

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

حق مالکیت یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر است که در اسناد بین‌المللی متعددی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. این حق، تضمین‌کننده امنیت اقتصادی و اجتماعی افراد است و نقشی کلیدی در توسعه پایدار و حفظ عدالت اجتماعی ایفا می‌کند. با این حال، در شرایط جنگی و بحران‌های مشابه، این حق ممکن است به چالش کشیده شود و دولت‌ها اغلب مجبور به اعمال محدودیت‌هایی بر حقوق مالکیت خصوصی می‌شوند تا بتوانند نیازهای امنیتی و دفاعی را تامین کنند. در این زمینه، اصل برائت نیز به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر مطرح است که تاکید دارد هیچ فردی تا اثبات جرمش، گناهکار شناخته نشود. این اصل، تضمین‌کننده انصاف در برخورد با افراد و حفاظت از حقوق آنان است. از این رو، اعمال هرگونه محدودیت بر حقوق مالکیت باید بر اساس دلایل موجه و شواهد کافی صورت گیرد و باید تضمین شود که حقوق مالکیت افراد به ناحق تضییع نشود. حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز تلاش می‌کند تا با وضع قوانین حفاظتی، تعادلی بین نیازهای نظامی و حقوق بشری برقرار کند و از تعدی بی‌رویه به حقوق مالکیت جلوگیری نماید. این قوانین تاکید دارند که هرگونه محدودیت بر حقوق مالکیت باید موقت، قانونی و متناسب با شرایط باشد و جبران خسارت مناسب نیز پیش‌بینی شود.

این مقاله به بررسی حق مالکیت سرمایه‌داران در کشورهای در حال جنگ از دیدگاه حقوق بشر بر اساس اصل برائت می‌پردازد. هدف از این پژوهش، تحلیل تعادل میان نیازهای

امنیتی و حقوق فردی در شرایط جنگی، بررسی چالش‌های عملی و حقوقی مرتبط با این موضوع، و ارائه راهکارهایی برای حفظ حقوق مالکیت در این شرایط پیچیده و بحرانی است. همچنین، نقش مراجع قضایی و نهادهای بین‌المللی در تضمین اجرای قوانین و جبران خسارت‌های ناشی از نقض حقوق مالکیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- اصل برائت

اصل برائت را می‌توان میراث مشترک حقوقی همه ملل متمدن جهان محسوب کرد که به ویژه در یکی دو قرن اخیر مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان و قانونگذاران در حقوق داخلی کشورها و موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی قرار گرفته است. از دید حقوق بین‌الملل، برائت به معنای عدم تأیید یا عدم شناخت یک شخص یا کشور از یک اتهام یا مسئولیت می‌باشد. این ممکن است از طریق دادگاه‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید شود. در حقوق بین‌الملل، برائت می‌تواند به عنوان یک مفهوم مهم در مواقعی مانند دعاوی دولتی، جرایم بین‌المللی و قضایای بین‌المللی مطرح شود. در حقوق بین‌الملل، فرایند برائت معمولاً به دلیل تأیید یا اثبات عدم دخالت یا مسئولیت یک فرد یا کشور در یک واقعه یا جرم انجام می‌شود. این می‌تواند از طریق ارائه اطلاعات و شواهد مناسب، اثبات عدم دخالت یا برائت از هرگونه اتهام باشد. در برخی موارد، برائت می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای

اعمال حقوقی مانند پرداخت خسارت یا آزادی شخص مذکور از مجازات‌های قانونی باشد.^۱

۲- حق مالکیت در اسناد حقوق بشر

یکی دیگر از حقوق‌های بنیادی انسان از دیدگاه طرفداران حقوق بشر مدرن، حق مالکیت است. ماده ۱۷ اعلامیه حقوق بشر در این باره اعلام داشته است:

۱- هر شخص منفرداً یا به طور اجتماع حق مالکیت دارد.

۲- احدی را نمی‌توان خود سرانه از حق مالکیت محروم نمود.

از دیدگاه آن‌ها حق مالکیت از حقوق طبیعی بوده و از قرارداد یا فعل اجتماعی ناشی نشده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، شرایط سلب مالکیت قانونی ذکر شده است. همچنین، حق مالکیت شخصی از جمله آزادی‌های عمومی اقتصادی و اجتماعی می‌باشد که به اعتبار وابستگی‌های اجتماعی و مادی داده شده است مثل حق داشتن کار، حق انتخاب شغل، حق تأمین اجتماعی، حق مالکیت شخصی، آزادی کسب و کار و بازرگانی.^۲

۳- رابطه حقوق سیاسی بشر و فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی

رابطه حقوق سیاسی بشر و فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، حقوق سیاسی شامل حق حریت اظهار نظر و حق مشارکت در امور عمومی است که می‌تواند تأثیرگذار بر فعالیت سرمایه‌گذاری خارجی در یک کشور باشد، زیرا اطمینان از وجود حقوق مدنی و سیاسی می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را به اقتصاد یک کشور افزایش دهد. همچنین، موازین بین‌المللی و قوانین حقوق بشر می‌توانند نقش مهمی در محدود کردن یا تنظیم فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشند تا به حفظ حقوق سیاسی و مدنی شهروندان کمک کنند. همچنین، در برخی موارد، فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند منجر به نقض حقوق سیاسی و مدنی شهروندان یک کشور شود. به عنوان مثال، اشغال زمین‌های محلی برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی بدون رعایت حقوق مالکیت و حقوق محیط‌زیست می‌تواند منجر به از بین رفتن حقوق مدنی و محدود شدن حقوق سیاسی شهروندان شود. این نشان می‌دهد که تعادل میان حقوق سیاسی بشر و فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی باید به‌طور دقیق در نظر گرفته شود تا حفظ حقوق اساسی افراد و توسعه پایدار اقتصادی ممکن شود. به طور کلی، حقوق سیاسی بشر شامل حقوقی مانند حق رأی‌گیری، حق حضور در انتخابات، حقوق اجتماعی و فرصت برابر در دسترسی به منابع عمومی است. وقتی که سرمایه‌گذاران خارجی وارد یک کشور می‌شوند، فعالیت‌های آنها می‌تواند تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر این حقوق

^۲ - طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۴)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۸۷

^۱ - فیروزیان حاجی، ابراهیم (۱۳۹۷)، اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن، پژوهش دینی، شماره ۳۶، ص ۱۷۳

بین المللی و منطقه‌ای برخوردارند، شرکت‌ها و اشخاص حقوقی صرفاً به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از برخی حمایت‌های حقوق بشری منتفع می‌شوند. ممکن است شرکت‌های تجاری و سرمایه‌گذار به جای اقامه دعای سرمایه‌گذاری علیه دولت میزبان با ادعای نقض حقوق به دادگاه اروپایی حقوق بشر رجوع نمایند.^۴

۳-۲- دیدگاه‌های مبتنی بر تسری تعهدات حقوق بشری به معاهدات سرمایه‌گذاری بین‌المللی

در طول سالیان اخیر، ارتباط میان حقوق بین الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین الملل بشر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. پرسش‌های علمی فزاینده‌ای در این خصوص شکل گرفته که تعهدات دولت‌ها ناشی از قواعد بین المللی حقوق بشر به چه نحو و چه میزان می‌تواند بر معاهدات سرمایه‌گذاری بین المللی، بعنوان مهمترین منبع حقوق بین الملل سرمایه‌گذاری، تاثیر بگذارد. از یک طرف ممکن است دولت‌ها برای حمایت و ارتقای وضعیت حقوق بشر به تنظیم بازار و دخالت در آن بپردازند یا اینکه تعهدات حقوق بشری‌شان را مقدم بر تعهداتشان به موجب معاهدات سرمایه‌گذاری بدانند که این خود می‌تواند به نوعی حقوق سرمایه‌گذار خارجی را نقض نماید. همچنین، ممکن است برخی اقدامات سرمایه‌گذاران خارجی، موجب نقض حقوق بشر در کشور سرمایه‌پذیر

داشته باشد. برای مثال، برخی سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است باعث بروز تغییرات در سیاست‌ها یا قوانین کشور شود که ممکن است به نقض حقوق سیاسی شهروندان منجر شود، به عنوان مثال، ارتقای تشدید قوانین کاری و کاهش حقوق کارگری به دستور سرمایه‌گذاران خارجی.^۳

همچنین، تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌تواند به نقض حقوق محیط‌زیستی و حقوق اجتماعی شهروندان منجر شود که در نتیجه، حقوق سیاسی آنها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به همین دلیل، حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید قوانین و مقررات مناسبی را برای کنترل و مدیریت فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی ارائه کنند تا حفظ حقوق سیاسی بشر و توسعه پایدار اقتصادی را از هم انجام دهند.

۳-۱- استناد به حقوق بشر در جهت حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران

باوجودی که غالب معاهدات سرمایه‌گذاری در خصوص حقوق بشر سکوت کرده‌اند، این نمی‌تواند به این مفهوم باشد که موضوعات حقوق بشری، ارتباطی به اختلافات میان سرمایه‌گذاران خارجی و دول میزبان ندارد. در بعضی از قضایای داوری، سرمایه‌گذار یا داوران برای تفسیر معاهدات موجود در معاهدات دوجانبه، به حقوق بشر استناد می‌نمایند. در حالی که افراد از کلیه حمایت‌های مندرج در معاهدات حقوق بشری

^۴ -عسکری، پوریا (۱۳۹۱)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در روبه داوری بین المللی، تهران: شهر دانش، ص ۵۶

^۳ -مرادی عجم، بهاره (۱۳۹۶)، تعهد سرمایه‌گذاران خارجی بر رعایت الزامات حقوق سیاسی بشر، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۸-۳۲

هر پرونده، یکی از آن‌ها را بعنوان قانون خاص اولویت داده و بر دعاو اعمال کنند.^۷

ایضاً اینکه، باتوجه به اینکه قواعد حقوق بین الملل سرمایه گذاری در خصوص حفاظت از سرمایه گذاری و قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه در مورد حفاظت از غیرنظامیان، هر دو در صورت آسیب دیدن سرمایه گذاری در مخاصمات مسلحانه معتبر هستند و دیوان‌های داوری، حقوق بین الملل سرمایه گذاری را نسبت به حقوق بین الملل بشر دوستانه بعنوان قانون خاص انتخاب می‌کنند، لذا مقررات آن به طور خاص برای حمایت از سرمایه گذار خارجی در تمامی وضعیت-ها اعم از مخاصمات مسلحانه طراحی کرده است. همچنین، از آنجا که حقوق بین الملل بشر دوستانه با دیدگاهی غیرتخصصی و بدون توجه به ویژگی‌های خاص سرمایه گذاری در تلاش است تا سرمایه گذاران خارجی را نیز بعنوان بخشی از غیرنظامیان با قواعد کلی خود مورد حمایت قرار دهد، قادر به محافظت مؤثر از سرمایه گذاری‌های خارجی نخواهد بود و انتخاب آن بعنوان قانون خاص توسط دیوان‌های داوری سبب تضییع منافع سرمایه گذار آسیب دیده خواهد شد.^۸

از نظر نگارنده، تعامل میان حقوق بین الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین الملل بشر دوستانه در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از جنگ، موضوعی پیچیده و چندلایه است که نیاز به بررسی

شود.^۵ در برخی موارد، اقدامات سرمایه گذار، موجبات نقض فاحش حقوق جهانی بشر را که بعضاً متضمن قواعد آمره حقوق بین الملل است، فراهم می‌آورد. دراین صورت، الزامات حقوق بشری برای طرف سرمایه گذار مقرر نشده و به طریق اولی، حقوقی را برای دادخواهی قربانیان نقض حقوق بشر در اثر سرمایه گذاری پیش بینی نکرده است. نسبت به مصادیق قواعد آمره، نظیر عدم تبعیض نژادی، منع بردگی یا تعهدات حقوق بشری مندرج در منشور ملل متحد، اجماع نسبی وجود دارد ولی اختلاف نظرات، بیشتر راجع به دیگر قواعد بین المللی، نظیر قواعدی است که در معاهدات حقوق بشری وجود دارد.^۶

۴- تعامل میان حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از جنگ

در وضعیتی که سرمایه گذار خارجی بر اثر مخاصمات مسلحانه دچار آسیب شده است، قواعد حقوق بین الملل سرمایه گذاری در خصوص حفاظت از سرمایه گذاران خارجی و قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه در خصوص حفاظت از غیرنظامیان که شامل سرمایه گذاران خارجی نیز خواهد شد، هر دو معتبر هستند و از آنجا که رویه خاصی دراین زمینه موجود نیست، دیوان‌های داوری می‌توانند به اختیار خود در

^۷ -شهبازیان، علی؛ میرعباسی، سیدباقر (۱۳۹۹)، تعامل میان حقوق بین‌الملل

سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از جنگ، مطالعات حقوقی، دوره دوازدهم، شماره اول، ص ۲۰۳

^۸ -همان منبع، ص ۲۲۰

^۵ -فیروزی مندمی، فراز (۱۳۹۵)، جایگاه تعهدات حقوق بین الملل بشر در معاهدات

دوجانبه سرمایه گذاری، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۱، ص ۱۷۶

^۶ -همان منبع، ص ۱۷۹

تخریب و توقیف دارایی‌های آنها و در نتیجه نقض معاهدات سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. خلاء موجود در زبان معاهدات سرمایه‌گذاری و مبهم رها کردن استانداردهای موجود در معاهدات موجب ارائه تفسیرهای مختلف توسط دیوان‌های داوری می‌شود، در صورتی که کشورها در هنگام مذاکره این معاهدات صراحتاً قصد خود را اعلام نموده، کمیت و کیفیت هر استاندارد را مشخص کرده و هیچ نکته مبهمی باقی نگذارند، تشتت آرا موجود در محاکم سرمایه‌گذاری کاهش یافته و تعادلی میان منافع سرمایه‌گذار و دولت میزبان برقرار خواهد شد. پیشنهاد می‌شود که دولت ایران که تاکنون بیش از ۷۰ معاهده سرمایه‌گذاری منعقد نموده است جهت حفظ منافع خود به عنوان یک کشور سرمایه‌پذیر از این متن به عنوان استاندارد حمایت و امنیت کامل در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خود استفاده کند: هر یک از طرفین معاهده باید برای سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران طرف دیگر معاهده در قلمرو خود، حمایت و امنیت کامل را تامین نماید. استاندارد حمایت و امنیت کامل، دولت میزبان را ملزم به اقداماتی فراتر از قاعده عرفی رفتار با بیگانگان در حقوق بین‌الملل عرفی نمی‌کند و حق اضافی ایجاد نمی‌کند. استاندارد حمایت و امنیت کامل هر یک از طرفین متعاقد را ملزم به حمایت فیزیکی طبق حقوق بین‌الملل عرفی می‌کند و نقض هر یک از مقرراتی این معاهده یا معاهدات بین‌المللی دیگر موجب اثبات نقض مقررات این ماده نمی‌شود. برای اطمینان بیشتر صرف این امر که فعل یا ترک فعل یکی از طرفین متعاقد با انتظارات سرمایه‌گذار ناسازگار است، موجب نقض استاندارد حمایت و امنیت کامل مندرج در این ماده نمی‌شود حتی اگر

دقیق دارد و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، که عمده‌تاً در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی تنظیم شده است، مجموعه‌ای از قواعد است که هدف اصلی آن محدود کردن آثار مخرب جنگ بر افراد غیرنظامی و اموال آنها است. البته، این‌که، تعامل میان حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در دعاوی ناشی از جنگ، نیازمند تفسیر دقیق و متوازن هر دو مجموعه قوانین است. به نظر می‌رسد که یک رویکرد تلفیقی و همگرا، که به‌طور همزمان به حمایت از سرمایه‌گذاران و رعایت اصول بشردوستانه توجه دارد، می‌تواند راه‌حلی مناسب باشد. این تعامل نیازمند بررسی و تدقیق بیشتر در مجامع حقوقی و تدوین راهنماهای مشخص برای داوری و رسیدگی به این نوع دعاوی است.

۴-۱- حفظ منافع کشور میزبان در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از جنگ

یکی از منابع حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری را می‌توان معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری دانست که با هدف تثبیت حقوق عرفی در قالب معاهدات پا به عرصه ظهور گذاشتند. در حال حاضر بیشتر دولت‌های میزبان نگران محدودیت در اعمال حقوق حاکمیتی خود برای تنظیم امور داخلی کشور هستند. دولت‌های میزبان که درگیر جنگ شده‌اند، باید به حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی توجه خاص داشته باشند زیرا بازسازی اقتصادی و توسعه پس از خاتمه جنگ نیاز به جریان ورودی سرمایه دارد. به علاوه سرمایه‌گذاران خارجی با انگیزه‌های متفاوتی به خصوص به دلیل فرصت‌های سودآوری که در موقعیت‌های جنگی وجود دارد در کشورهای درگیر جنگ فعالیت می‌نمایند و حتی انتظار بهره‌وری بیشتری دارند. اما به دلیل وجود شرایط آشفته در کشور میزبان احتمال

منجر به ورود خسارت به سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار طرف دیگر معاهده شود.^۹

۴-۲- خشونت دولتی و غیردولتی علیه سرمایه‌گذاران خارجی

دولت مسئول اقدامات انجام شده و یا قصور صورت گرفته توسط ارگان‌های خود است و شک و تردیدی در قابل اعمال بودن استاندارد حمایت و امنیت کامل در صورت حمله مستقیم ارگان‌های دولت میزبان به شخص یا اموال سرمایه‌گذار وجود ندارد. در پرونده «بی واتر» علیه تانزانیا دیوان مقرر داشت که استاندارد امنیت کامل شامل اقدامات ارگان‌ها و نمایندگان خود دولت نیز می‌شود و محدود به اشخاص ثالث نیست. در پرونده «ای ام تی» علیه زئیر سرمایه‌گذاری این شرکت توسط نیروهای مسلح زئیر مورد غارت قرار گرفته بود. دیوان دریافت که مقررات معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری تعهد به انجام تمام اقدامات احتیاطی لازم برای حفاظت سرمایه‌گذار را بر کشور میزبان بار کرده است و دولت با قصور در اقداماتی که حمایت و امنیت سرمایه‌گذار را تضمین نماید این تعهد را نقض کرده و مسئول ناتوانی خود در جلوگیری از پیامدهای فاجعه بار این رویداد است. در پرونده «توتو» علیه لبنان که در خصوص ساخت یک بزرگراه بود، سرمایه‌گذار در مورد قصور دولت لبنان در خارج نمودن سربازان سوری از محل ساخت و ساز شکایت کرد.

دیوان در رای خود مقرر داشت که اگر قصور دولت اثبات شود موجب نقض تعهد حمایت سرمایه‌گذاری طبق معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان ایتالیا و لبنان خواهد بود. کاربرد مهم دیگر استاندارد حمایت و امنیت کامل مربوط به وظیفه دولت برای محافظت از سرمایه‌گذار در برابر خشونت‌های صورت گرفته توسط بازیگران غیردولتی است. این بازیگران ممکن است شورشیان علیه دولت باشند یا گروه‌های غیردولتی که علیه سرمایه‌گذار دست به اقدامات خشونت آمیز می‌زنند باید گفت که استاندارد حمایت و امنیت کامل دولت میزبان را متعهد می‌سازد که از یک سو استفاده از نیروهای نظامی خود را در صورتی که با منافع سرمایه‌گذار منافات داشته باشد محدود کند و از سوی دیگر از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مقابل نیروهای شورشی و دیگر انواع خشونت‌های بازیگران غیر دولتی محافظت نماید. داوری نیز در همین راستا در مواردی به دلیل رفتارهای خشونت آمیز شورشیانی که منتسب به دولت نیستند دولت را مسئول دانسته و حکم به نقض استاندارد حمایت و امنیت کامل داده‌اند. اما باید توجه داشت که کشوری که جنگی در قلمرو آن رخ می‌دهد به طور طبیعی مسئول خسارات تحمیل شده به سرمایه‌گذار نیست مگر اینکه اثبات شود که دولت در ارائه استانداردهای حمایت طبق معاهده یا حقوق بین‌الملل بین الملل عرفی قصور کرده است.^{۱۰}

^{۱۰} - همان منبع، ص ۱۹۱

^۹ - شه‌بازیان، قاسم؛ سلیمی، صادق (۱۳۹۹)، حفظ منافع اساسی کشور میزبان در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از مخاصمات مسلحانه، دو فصل نامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال بیست و هفتم، شماره ۱۷، ص ۱۹۳

۳-۴- حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و حق‌های

بشری

این انتظار وجود دارد که سرمایه‌گذاران خارجی بتوانند ریسک اقتصادی سرمایه‌گذاری خود را با توجه به اقدامات قانونی دولت میزبان، حتی در برابر ملاحظات حقوق بشری پیشبینی کنند و اصولاً پس از شکل‌گیری انتظارات معقول، امکان تخطی از این حقوق شکل گرفته وجود نخواهد داشت چرا که دولت میزبان، حمایت از این حقوق را تضمین کرده است. در واقع، این تلاقی میان تعهدات سرمایه‌گذاران و حقوق بشر به علت ناهماهنگی میان آنها، در زمان شکل‌گیری معاهدات سرمایه‌گذاری ایجاد شد. این در حالی است که صلاحیت دیوان‌های سرمایه‌گذاری در بررسی قواعد حقوق بشری همچنان مورد تردید است زیرا صلاحیت آنها به موجب معاهدات سرمایه‌گذاری و در تفسیر مضیق، محدود به تصمیم‌گیری درباره نقض قواعد و استانداردهای معاهدات سرمایه‌گذاری است. دو راه حل مناسب پیشنهاد می‌شود: سازماندهی مجدد معاهدات دوجانبه و چندجانبه سرمایه‌گذاری از طریق بازنگری، ارزیابی مجدد، دقت، مراقبت و تلاش متعارف برای در نظر گرفتن تعهدات طرفین؛ فراهم آوردن امکان شناسایی برتری قواعد حقوق بشری بر حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی از طریق تفسیر بر اساس اصول تعیین شده حقوق بین‌الملل

همچون بخش ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین توسط دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری^{۱۱}.

۴-۴- جبران خسارت ناشی از جنگ در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی

با وجود افزایش مخاصمات مسلحانه و آسیب‌های وارده به غیرنظامیان از جمله سرمایه‌گذاران خارجی، رژیم خاصی برای جبران خسارت ناشی از مخاصمات مسلحانه در حقوق بین‌الملل پیش بینی نشده است. سرمایه‌گذاران به منظور جبران خسارت ناشی از جنگ، به شرط جنگ مندرج در معاهدات سرمایه‌گذاری و قواعد حقوق بین‌الملل در خصوص جبران خسارت ناشی از اعمال متخلفانه متوسل می‌شوند اما این رویه ابهامات زیادی دارد. ملاحظات حاکمیتی مانند نظم عمومی یا امنیت ملی می‌تواند اثبات مسئولیت دولت را در شرایط جنگ دشوار سازد. شرط جنگ یک لایه حمایتی اضافه برای سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند اما استانداردهای سنتی حمایت از سرمایه‌گذار را از بین نمی‌برد. اگرچه شرط جنگ حق سرمایه‌گذار مبنی بر جبران خسارت را منوط به الزامات سختگیرانه‌ای مانند اثبات منشأ آسیب و نبود ضرورت نظامی می‌کند که در شرایط جنگ بسیار دشوار است، معقول‌تر است که اثبات ضرورت نظامی وظیفه کشوری باشد که از نیروی نظامی استفاده کرده است. انتظار می‌رود دیوان‌های داوری در این گونه دعاوی در محاسبه جبران خسارت به وجود شرایط

^{۱۱} - بهزادی پارس، آرش؛ سیفی، سید جمال (۱۳۹۸)، رابطه میان حقوق سرمایه‌گذار

خارجی و تعهدات بین‌المللی حقوق بشر و محیط زیست، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۱، ص ۶۸

دموکراتیک را در سرتاسر جهان تقویت نموده است. نظام بین-المللی نیز با ارزش‌هایی نظیر صلح و حمایت از حقوق بشر در خدمت انسانیت است. هیچگاه تا به امروز این قدر از تعهد به حمایت از حقوق بشر وجود نداشته است که کشورها به تعداد زیادی از معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی متعهد باشند. تحقق حقوق بین‌الملل با چالش‌های بزرگی همراه است و نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر در ارتباط با حقوق برابری و اجرای کارآمدتر این قوانین وجود دارد. مشکل اصلی در عدم انطباق مکانیسم‌ها با حقوق بین‌الملل و وجود خلاء مصونیت حقوقی است. در حوزه حقوق بین‌الملل، باید چارچوب و مکانیسم دقیق و مورد توافق بیشتر کشورها وضع نمود تا این قوانین به بهترین شکل ممکن اجرایی شوند؛ که این اصلاحات باید با همکاری شورای امنیت و بهره‌گیری از اختیارات و نهادهای-ساز سازمان‌های غیر مستقیم زیر نظر شورای امنیت، صورت گیرد تا تضمینی بر پاسخگو نمودن اعضا نقض‌کننده قوانین بین‌المللی فراهم شود. بنابراین لازم است تا اهمیت نقد و تفسیر راجع به دیدگاه‌ها و عملکرد طرفین جنگ در اوکراین مورد بحث و بررسی دقیق قرار گیرد. تدوین راهکارهایی که به جلوگیری از تهاجم مشابه منجر شود؛ نیازمند تدوین و پیاده‌سازی اقداماتی کارآمد است. تلاش‌های مستمر در این زمینه می‌تواند به سازماندهی بهتر حقوق بین‌الملل و بهبود نظم جهانی منجر گردد.^{۱۳}

اضطراری و تاثیر آن بر منافع طرفین توجه کافی داشته باشند.^{۱۲}

۵- کارکرد حقوق بین‌الملل در رابطه با جنگ اوکراین

چالش اصلی این موضوع که هنوز به طور کامل براساس چارچوب‌های بین‌المللی رفع نشده است؛ تنها زمانی قابلیت اجرایی دارد که همه طرفین دعوا آن را اجرایی نمایند. محدودیت‌های ساختاری شورای امنیت سازمان ملل متحد نقاط ضعف اساسی این سیستم را افشا نموده است. بحران اوکراین نقاط ضعف قوانین بین‌المللی در زمینه مهاجرت و پناهندگان را نشان داد؛ که نیازمند اقدامات اصلاحی در زمینه تعریف پناهندگی بین‌المللی جهت درگیری‌های مسلحانه و خشونت عمومی، مسائل مرتبط با برابری و نژادپرستی و تعیین مکانیسم‌های تسهیل مشارکت در مسئولیت‌های مشترک در مواقع جابجایی گسترده است. جنگ اوکراین به عنوان نمونه-ای از تحولات مهم، این نقاط ضعف مشترک در قوانین را نمایان نمود. همچنین اهمیت عدالت انتقالی و نقش کمیته-های حقیقت‌یاب در پشتیبانی از حقایق و شناسایی رویدادهای تلخ نیز می‌باید مورد بررسی قرار گیرد. این مسیر شامل جبران خسارت‌های مالی یا معنوی به قربانیان می‌شود. بعلاوه، توجه به پیشرفت در حقوق بین‌الملل و نقش اتحادیه‌های بین‌المللی در این پیشرفت‌ها امری ضروری است. هر چند سازمان ملل هنوز به طور کامل از نظر ساختاری به طور کامل اجرایی نشده است؛ اما به ایجاد نظم جهانی کمک کرده و نهادهای

^{۱۳} - یراقی اصفهانی، مهشید؛ فیضی، زهرا (۱۴۰۲)، بررسی کارکرد حقوق بین‌الملل در رابطه با جنگ اوکراین، فصلنامه مطالعات علم حقوق، سال سوم، شماره دهم، ص ۴۲

^{۱۲} - شهبازیان، علی (۱۴۰۲)، جبران خسارت ناشی از مخاصمات مسلحانه در دعاوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، شماره ۳، ص ۱۳۳۶

۱-۵- تاثیر بحران کریمه و اوکراین در روابط خارجی

روسیه

بحران اوکراین و به ویژه اعلام جدایی مردم شبه جزیره کریمه از اوکراین و درخواست الحاق آن به فدراسیون روسیه و پذیرش این درخواست توسط دولت روسیه که مستقیم و غیرمستقیم با حمایت‌های نظامی و غیرنظامی آن دولت صورت گرفت، فی‌نفسه رویدادی منحصر به فرد طی سال‌های متمادی گذشته است. این رویداد پس از آن رخ داد که دولت‌های غربی با مداخلات مستقیم و غیرمستقیم در امور داخلی اوکراین زمینه را برای سقوط دولت قانونی و طرفدار روسیه که ظاهراً بر اساس اصول دموکراسی انتخاب شده بود، فراهم کردند. دولت روسیه در مقام واکنش، زمینه جدایی کریمه و انضمام آن را به خود آغاز کرد. استدلال‌های دولت روسیه در جدایی کریمه از اوکراین عمدتاً بر محور استدلال‌های دولت‌های غربی در جدایی کوزوو از صربستان استوار بود. مسلماً کشورهای حامی جدایی کوزوو از صربستان، هیچگاه تصور نمی‌کردند، که روزی به اجبار باید از مواضعی عقب‌نشینی کنند، که به زعم خودشان از استحکام بالایی برخوردار می‌بود. مهمترین مستند روسیه در جدایی کریمه از اوکراین اصل «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» می‌باشد. این اصل سه نسل متفاوت را پشت سر گذاشته است. نسل اول «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» ساکنان مستعمره و جمعیت تحت اشغال دولت خارجی را نشانه گرفت و به حق استعمارزدایی یکی از

موفقیت‌های آشکار سازمان ملل می‌باشد. در نسل دوم حق تعیین سرنوشت که به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی متولد شد شکل‌گیری کشورهای مستقل جدید با رضایت دولت دارای حاکمیت تحقق پذیرفت. به نظر می‌رسد که به سختی میتوان اقدام نظامی روسیه در اوکراین را در پرتوی حقوق بین‌الملل توجیه نمود. فلسفه وجود حقوق بین‌الملل، حفظ صلح و جلوگیری از هرج و مرج در جامعه بین‌المللی است. اگر قرار بود صرف وجود حقی به نام «حق تعیین سرنوشت»، امکان جدایی بی‌قید و شرط بخشی از یک کشور و پیوستن آن به کشور دیگر یا اعلام تشکیل یک کشور جدید را فراهم کند، فردا شاهد حجم انبوهی از کشورهای ذره‌ای خواهیم بود که هرگز امکان متحد کردن آنان و برقراری نظم و صلح میان همه آنها وجود نخواهد داشت.^{۱۴}

۲-۵- نقش سرمایه‌داران در اعتراض‌های سیاسی

اوکراین

در پی استقلال اوکراین از اتحاد جماهیر شوروی، خصوصی سازی دارایی‌های دولتی آغاز شد و به دنبال آن، یک طبقه اقلیت و قدرتمند از تجار در این کشور شکل گرفت. این اقلیت ثروتمند نقش بسیار مهمی در سیستم سیاسی این کشور از زمان تأسیس آن دارند به طوری که بحران سیاسی ارتباط نزدیکی با این اقلیت حاکم بر اوکراین دارد. این امر در دیدار رییس جمهور جدید اوکراین، «ویتالی کلیچکو» که در تاریخ

^{۱۴} - عبدالحی، معصومه؛ باقری، جهانگیر (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر بحران کریمه و اوکراین در روابط خارجی روسیه از نگاه بین الملل، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی-اجتماعی، ص ۱۳

دمیتری فیرتاش که از چهره‌های اصلی در زمینه نیرو و مواد شیمیایی صنعتی است از ویکتور یانکوویچ، رئیس جمهور سابق اوکراین باعث شده است تا سرمایه داران از حزب یانکوویچ حمایت کنند. از دیگر اعضای اقلیت طرفدار حکومت می‌توان به ایگور کولومویسکی اشاره کرد که بانکدار و از بزرگان صنعت این کشور است که از عرصه سیاست مستقیم خود را کنار کشیده و تنها به پیمان‌هایی کوتاه مدت با سیاستمداران مختلف اکتفا می‌کند. بخش عمده خشمی که موجب اعتراضات گسترده در اوکراین شده، تصور وجود فساد سیاسی و ارتباط نزدیک دولت با سرمایه داران بی نهایت ثروتمند این کشور است.^{۱۵}

۳-۵- توقیف دارایی‌های سرمایه‌داران اوکراین

به گزارش ایرنا، «سرگئی آکسیونوف» فرماندار منطقه‌ای کریمه جمعه شب اعلام کرد که پول به دست آمده از فروش اموال متعلق به بازرگانان اوکراینی برای تجهیز پرسنل جنگنده در عملیات نظامی ویژه (در اوکراین) استفاده می‌شود. «ولادیمیر کنستانتینوف» رئیس پارلمان کریمه نیز گفت که حدود ۵۰۰ مورد از دارایی شامل قطعه زمین و خانه‌های بزرگ متعلق به «ایهور کولومویسکی» و «رینات آخمتوف» شرکت-های سرمایه داران میلیاردی اوکراینی و همچنین یک سینما در یالتا متعلق به «آرسنی یاتسنیوک» نخست وزیر سابق اوکراین ملی اعلام شده است. پیش از این نیز اوکراینی‌ها اموال توقیف شده الیگارش‌های روسیه را بعد از تصرف صرف جنگ نظامی و بازسازی کشور خود کردند. ولادیمیر پوتین رئیس

۹ مارس در دونتسک با ثروتمندترین مرد این کشور، «رینات آخمتوف» انجام شد، قابل مشاهده است. آنها در مورد وضعیت کنونی کشور گفتگو کردند. وظیفه این اقلیت حاکم این است که به عنوان پل میان دولت موقت که به سمت غرب متمایل است و منافع روسیه در این کشور به خصوص در شرق اوکراین، ارتباط برقرار کند. آنها نقش کلیدی در مذاکرات بر سر آینده سیاسی اوکراین دارند و در عین حال در شکل دادن به رابطه هر دولتی که در اوکراین بر روی کار باشد با روسیه، محوری ثابت خواهند بود. همانند روسیه، در اوکراین نیز انتقال سریع به سوی سامانه سرمایه داری، این اجازه را به افراد نزدیک به قدرت داد تا به ثروت بسیار زیادی دست یابند به طوری که بهره‌برداری از معادن فلزات کشور، مواد شیمیایی و صنعت توزیع انرژی در انحصار تعداد محدودی قرار گرفت. اما از آنجایی که قدرت متمرکز در روسیه پیشینه‌ای طولانی دارد، مسکو با حذف این افراد ثروتمند از کانون قدرت، باعث شد تا کرملین دوباره قدرت خود را به دست آورد. در حال حاضر کی یف از هیچ قدرت سیاسی برخوردار نیست. اقلیت سرمایه دار اوکراین هرگز به طور کامل به دولت وابسته نشدند و قدرت آنها به تنهایی گسترش یافت. نتیجه آن است که نظام سیاسی در اوکراین به گونه‌ای ادامه خواهد یافت که به شدت به پشتیبانی این اقلیت سرمایه‌دار نیاز خواهد داشت. همه احزاب سیاسی اصلی و کاندیداهای پست‌های مهم در پارلمان و هیات دولت، طرفدار این گروه اقلیت هستند. برای نمونه، پشتیبانی چهره‌هایی همچون آخمتوف که دارای موقعیت عالی در صنعت فولاد و تولیدات ذغال سنگ کشور است و

ناخالص داخلی از سال ۲۰۰۰ رشد داشته است. تورم اگرچه با نوسان‌هایی همراه بوده است اما سیر نزولی داشته است. بیکاری کاهش یافته و شاخص کسب و کار به صورت مداوم سالانه در حال رشد بوده است. افزایش جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه معناداری با اصلاح قوانین و بهبود شاخص‌های موثر بر جذب سرمایه خارجی در فدراسیون روسیه دارد. اندکی پس از اصلاح قوانین و برنامه‌ریزی برای ارتقای این شاخص‌ها در اواخر دهه ۱۹۹۰ ورود انواع سرمایه خارجی به ویژه سرمایه مستقیم سیر صعودی می‌یابد. تنزل این شاخص متأثر از بحران مالی سال ۲۰۰۸ درست یک سال بعد از اثر خود را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نمایان می‌سازد و در سال ۲۰۰۹ همه انواع سرمایه‌گذاری خارجی در فدراسیون روسیه با افت شدید روبرو می‌شود که این افت در سال‌های بعد با بهبود شاخص‌ها بهبود می‌یابد. تصمیم‌گیران در روسیه که با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از راه‌های تامین مالی شکست پس از فروپاشی می‌دانند با تأثیرگذاری همزمان بر سیاست گذاری و ساختار اقتصادی توانستند موفقیت‌های چشمگیری را در جذب سرمایه مستقیم خارجی به دست آورند.^{۱۷}

نتیجه‌گیری

بررسی حق مالکیت سرمایه‌داران در کشورهای در حال جنگ از دیدگاه حقوق بشر و بر اساس اصل برائت نشان

جمهوری روسیه در ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ (دوم اسفند ۱۴۰۰) با انتقاد از بی‌توجهی غرب به نگرانی‌های امنیتی مسکو، استقلال جمهوری‌های خلق دونتسک و لوگانسک را در منطقه دونباس به رسمیت شناخت. پوتین روز پنجشنبه ۲۴ فوریه (۵ اسفند ۱۴۰۰) نیز عملیات نظامی که آن را «عملیات ویژه» خواند، علیه اوکراین آغاز کرد و به این ترتیب روابط پرتنش مسکو - کی‌یف به رویارویی نظامی تغییر وضعیت داد و شروع عملیات ویژه روسیه در اوکراین موجب تیره شدن روابط غرب و کرملین شد.^{۱۸}

۴-۵- عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی در فدراسیون روسیه

در محدوده قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری اگرچه فدراسیون روسیه پس از فروپاشی تلاش‌هایی صورت می‌دهد اما تصویب قانون فدرال شماره ۱۶۰ با عنوان «درباره سرمایه‌گذاری‌های خارجی در فدراسیون روسیه» موثرترین قانون در این زمینه محسوب می‌شود. تعریف حقوقی مفاهیم مرتبط با سرمایه‌گذاری به صورت شفاف، مشخص شدن هدف‌ها و اولویت‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی تنظیم رژیم‌های حقوقی منطبق بر استانداردهای بین‌المللی و چگونگی تضمین اصل سرمایه و سود از ویژگی‌های مهم این قانون است. همچنین همه شاخص‌های موثر بر جذب سرمایه خارجی در انتهای دهه ۱۹۹۰ بهبود به ارتقای خود را آغاز می‌کنند. تولید

^{۱۷} - اسلامی، محسن؛ حسین‌زاده، وحید (۱۳۹۷)، عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فدراسیون روسیه، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۱، شماره ۲، ص ۳۰۰

^{۱۸} - <https://irma.ir>

اصول حقوق بشر، می‌توان به حفظ و حمایت از حقوق مالکیت در شرایط بحرانی و جنگی دست یافت.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- الف- کتاب‌ها
- ۱- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۴)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۲- عسکری، پوریا (۱۳۹۱)، حقوق سرمایه گذاری خارجی در رویه داور بین المللی، تهران: شهر دانش
- ب- مقالات
- ۱- اسلامی، محسن؛ حسین‌زاده، وحید (۱۳۹۷)، عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در فدراسیون روسیه، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۸۳-۳۰۳
- ۲- بهزادی پارس، آرش؛ سیفی، سید جمال (۱۳۹۸)، رابطه میان حقوق سرمایه گذار خارجی و تعهدات بین المللی حقوق بشر و محیط زیست، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۶۱، صص ۷۴-۴۳
- ۳- شهبازیان، علی (۱۴۰۲)، جبران خسارت ناشی از مداخلات مسلحانه در دعاوی سرمایه گذاری بین المللی، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۳، شماره ۳، صص ۱۳۵۵-۱۳۳۶
- ۴- -----، میرعباسی، سیدباقر (۱۳۹۹)، تعامل میان حقوق بین الملل سرمایه گذاری و حقوق بین الملل بشردوستانه در

می‌دهد که حفاظت از این حقوق در شرایط بحرانی یک چالش پیچیده و چندوجهی است. از یک سو، دولت‌ها برای تأمین امنیت ملی و مقابله با تهدیدات ناگزیر به اعمال محدودیت‌های موقت و قانونی بر حقوق مالکیت هستند؛ از سوی دیگر، این محدودیت‌ها باید به گونه‌ای اعمال شوند که حقوق بنیادین افراد، از جمله حق مالکیت، به نحو منصفانه و معقول حفظ شود. تحلیل حقوق بین‌الملل بشردوستانه و اسناد بین‌المللی حقوق بشر نشان می‌دهد که هرگونه محدودیت بر حقوق مالکیت باید با رعایت اصولی مانند موقت بودن، قانونی بودن و متناسب بودن با شرایط صورت گیرد. اصل برائت نیز تضمین می‌کند که هیچ فردی تا زمان اثبات جرمش، گناهکار شناخته نشود و دارایی‌های افراد نمی‌تواند بدون دلیل موجه و شواهد کافی ضبط یا مصادره شود.

در این میان، نقش نهادهای قضایی و بین‌المللی در تضمین اجرای عدالت و جبران خسارت‌های وارده به سرمایه‌داران بسیار حیاتی است. این نهادها باید به عنوان مراجع مستقل و بی‌طرف عمل کرده و از تضییع حقوق افراد در شرایط جنگی جلوگیری کنند. همچنین، دولت‌ها موظفاند تا با ایجاد سازوکارهای جبران خسارت مناسب و بازگرداندن حقوق به حالت عادی پس از پایان شرایط اضطراری، از تجاوز به حقوق مالکیت جلوگیری نمایند. به طور کلی، توازن بین نیازهای امنیتی و حقوق بشر نیازمند تدوین و اجرای دقیق قوانین و مقررات بین‌المللی، ایجاد سازوکارهای مؤثر جبران خسارت و نظارت مداوم بر رعایت حقوق مالکیت در شرایط جنگی است. این توازن تنها با همکاری همه‌جانبه دولت‌ها، نهادهای قضایی و بین‌المللی، و جامعه بین‌المللی قابل دستیابی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با اتخاذ راهکارهای مناسب و رعایت

- دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از جنگ، مطالعات حقوقی، دوره دوازدهم، شماره اول، صص ۲۰۳-۲۲۳
- ۵- -----، قاسم؛ سلیمی، صادق (۱۳۹۹)، حفظ منافع اساسی کشور میزبان در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از مخاصمات مسلحانه، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال بیست و هفتم، شماره ۱۷، صص ۱۷۱-۱۹۶
- ۶- عبدالحی، معصومه؛ باقری، جهانگیر (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر بحران کریمه و اوکراین در روابط خارجی روسیه از نگاه بین الملل، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی-اجتماعی، صص ۱-۱۶
- ۷- فیروزی مندمی، فراز (۱۳۹۵)، جایگاه تعهدات حقوق بین الملل بشر در معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۱، صص ۱۹۱-۱۶۵
- ۸- فیروزیان حاجی، ابراهیم (۱۳۹۷)، اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن، پژوهش دینی، شماره ۳۶، صص ۱۸۲-۱۶۵
- ۹- یراقی اصفهانی، مهشید؛ فیضی، زهرا (۱۴۰۲)، بررسی کارکرد حقوق بین الملل در رابطه با جنگ اوکراین، فصلنامه مطالعات علم حقوق، سال سوم، شماره دهم، صص ۲۲-۴۳
- ج- پایان نامه‌ها
- ۱- مرادی عجم، بهاره (۱۳۹۶)، تعهد سرمایه گذاران خارجی بر رعایت الزامات حقوق سیاسی بشر، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی
- د- پایگاه‌های اینترنتی
- 1- <https://mashregnews.ir>
- 2- <https://irna.ir>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی